

اردیبهشت ۸۹ : شوق یک خیز بلند

آزاد رخشان

چیزی به یک ساله شدن مبارزات مستمر آزادی خواهانه مردم ایران باقی نمانده است و این در حالی است که در آستانه این یک سالگی در اردیبهشت ماه امسال، دو رخداد عظیم، فصل جدیدی را در مبارزات جنبش توده ای و آزادی خواهانه جاری گشوده است و تغییرات کیفی مهمی را قابل ملاحظه نموده است: برگزاری مراسم های اول ماه مه و اعتصاب سراسری مردم کردستان.

همان گونه که پیش بینی می گردید، بورژوازی وامانده در اپوزسیون، علی رغم مخاطراتی که منافع طبقاتی اش را به جد تهدید می نمود، پای میز قمار روز جهانی کارگر نشست و حتی پیش از برگزاری مراسم های روز جهانی کارگر در شهرها و اقصی نقاط کشور، این دست را به حریف _ جنبش پیشرو طبقه کارگر ایران _ واگذار نمود.

در ادامه روندی که از اول ماه مه سال ۸۸ در جنبش کارگری ایران با برگزاری مراسم پارک لاله و صدور قطعنامه ۱۵ ماده ای آغاز گشته بود، فعالین پیشرو جنبش با شمّ طبقاتی خود به درستی دریافتند که باید از این فرصت برای به میدان کشاندن صف مستقل و طبقاتی کارگران حداکثر استفاده و بهره را ببرند و مطالبات و خواسته های کارگران و زحمتکشان را در متن خیابان ها و به طرق اعتراضی مختلف فریاد بزنند و دیگر خواسته های مترقی و آزادی خواهانه مردم را در پیوند با شعار ها، مطالبات و مبارزات هر روزه کارگران، در این روز ویژه برجسته نمایند، در حالی که طیف گسترده ای از بخش های مختلف بورژوازی نیز، فرصت طلبانه، حتی پیش از برخی نیروهای چپ، به پیشواز اول ماه مه آمده بودند، در باب فقر و فلاکت کارگران فغان بر آورده و از مطالبات و خواسته های کارگران و مزدبگیران سخن می گفتند.

اما آن چه که منشأ تمایز و درخشان بودن روز جهانی کارگر سال ۸۹ گردید، اقدام متناسب و داهیانة بخشی از پیشروترین نیروهای جنبش طبقه کارگر بود که با درک صحیح و به موقع خود از توازن قوا و شرایط عینی جنبش آزادی خواهانه جاری و جنبش کارگری، صرفاً به قطعنامه منتشر شده از سوی تشکل های کارگری بسنده ننمودند و

اقدام به ایجاد شورای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر کردند. به طوری که این شورا، طی دو بیانیه خود، ضمن تحلیل دقیق و رادیکالی که از شرایط مشخص پیش رو ارائه نمود و اعلام کرد که " بدون گره خوردن مطالبات اقتصادی ما از طریق قدرت طبقاتی و متشکل ما، با خواسته های آزادیخواهانه و دموکراتیک، اعتراضات ما تنها و تنها تبدیل به ابزاری برای به قدرت رسیدن گروه و جناحی دیگر از جناح های سرمایه داری خواهد بود."

شورای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر به درستی این نکته را در بیانیه های خود متذکر گردیدند که "درس هایی که طبقه کارگر با خون خود به یادگار گذاشته است، یگانه راه نجات جامعه را به ما نشان می دهد. اعتراضات مردمی علیه سرکوب، نابرابری، فقر و ستمگری باید به قدرت گیری خود مردم منتهی شود و تنها با ایجاد تشکل های مستقل طبقاتی است که حاصل رنج ها و مبارزات مردمی منجر به قدرت گیری جناحی دیگر با رنگ و لعابی دیگر از سرمایه داری نمی شود. تنها ضامن ایجاد و تثبیت دموکراسی و آزادی، قدرت و عرض اندام تشکل های مستقل در اصناف و اقشار مختلف است، قدرتی سراسری، متحدانه و سیلاب وار که هرگونه دست اندازی و تجاوز به مطالبات مردمی را پاسخی درخور دهد."

حضور به موقع و فعال شورای برگزاری مراسم اول ماه مه در سطح رسانه های مختلف چنان تعیین کننده بود که حتی رسانه های بورژوازی و به ویژه رسانه های رسمی جنبش سبز و فرمیست ها را وادار کرد که سر خم نمایند، تا جایی که بیانیه های شورا علی رغم سانسوری که در پوشش تمام بندهای آن صورت گرفته بود در رسانه های لیبرال فرمیست ها (برای نمونه در سایت جرس) منعکس گردید. بدین ترتیب با وجود سرکوب شدید و فضای فوق امنیتی که بر خیابان ها و اماکن عمومی در شهرهای مختلف کوچک و بزرگ حاکم گردیده بود، با ابتکار عمل عموم کارگران، فعالین کارگری و مردم آزادی خواه مراسم های متعددی در این روز برگزار گردید و چنین بود که صف مستقل و طبقاتی کارگران پای به میدان مبارزه نهاد تا فاز جدیدی از مبارزات به رهبری طبقه کارگری که می رزد و برای هرچه متشکل تر شدن آغاز گردد.

هنوز اندک زمانی از پیرومندی طبقه کارگر در اول ماه مه نگذشته بود که رژیم سرمایه داری اسلامی، بار دیگر دندان نشان داد و با اعدام ناگهانی و وحشیانه ۵ تن از مبارزین سیاسی که چونان گروگان در چنگال های حکومت اسیر بودند، داعی بر دل همه مبارزین و مردم آزادی خواه و به ویژه مردم زحمتکش، آگاه و همیشه رزمنده کردستان نهاد و

اراده همگان را برای ایستادن در برابر این بربریت سازمان یافته و جنایت های مکرر تقویت نمود.

این اولین بار نبود که حکومت سرمایه داری اسلامی دست خود را به خون عزیزترین جوانان این مملکت آغشته می کرد؛ اکنون سی سال است که حکومت ترور و وحشت به درازا کشیده شده و با این همه تنگنا، تیره روزی، فقر، سرکوب و خونریزی، تنها دلیل دیرپاییدن استبداد و خفقان همین شیوه دیرآشنای کشتار بی دفاع ترین مردم مبارز به ویژه در زندان ها بوده است.

در چنین موقعیتی، نیروها و بخش های مختلف بورژوازی در اپوزسیون، و لیبرال رفرمیست ها از دارودسته های مختلف، بی شرمانه در قبال این جنایت وحشیانه سکوت کردند، ماهیت شبه فاشیستی خود را آشکار کردند و به بهترین نحو نشان دادند که تفاوت ماهوی جدی با بخش دیگر بورژوازی ایران در پوزسیون و قدرت ندارند و چنان که طی این سال همواره و گام به گام در کنار دیگر بخش های رژیم به جنایت علیه مردم دامن زده اند، این بار نیز که سودای بازگشت به قدرت در سر دارند، حتی نمی توانند ژست انسان دوستی بگیرند و با وقاحتی علنی و با ادبیات حکومتی، مبارزین سیاسی را تروریست می خوانند و به این بهانه از زیر بار دفاع از آنان شانه خالی می کنند. اگرچه ابدای جای تعجب نیست و بورژوازی نوکیسه و لیبرالیسم بی اخلاق ایرانی همواره بی همه چیز بودن خود را بارها و به کرات به رخ همگان کشیده، اما این بار و در متن جنبشی آزادی خواهانه که در رگ و پی جامعه جاریست، هرزگی و فرصت طلبی بورژوازی بیش از پیش آشکاره گردید.

در همین حال پیشروترین نیروهای سیاسی و اجتماعی و عموم مردم مبارز به ویژه در کردستان، که همواره سنگر و سمبل آزادی خواهی در سی سال گذشته بوده است، از فراخوانی برای اعتصاب سراسری در شهرهای مختلف کردستان حمایت نمودند، خشم متحدانه خود را به حکومت یاد آور گردیدند و نشان دادند که اتحاد مردم و همه نیروهای پیشرو به پیشتازی سوسیالیست ها لاجرم به پیروزی منتهی می شود (چنان که تجربه اعتصاب سراسری و موفقیت مطلق آن نشان داد) و برای شکستن فضای ارباب و سرکوب و برای مبارزه علیه همه مظاهر ارتجاع، تا چه حد ضرورت دارد که همه نیروهای پیشرو و مترقی، و به ویژه زحمتکشان و کارگران جامعه، دست در دست دانشجویان، زنان و معلمان، مبارزه متشکل را در دستور کار خود قرار دهند و اعتراضات و مبارزات خود را به هر شکل ممکن سازمان دهند.

اعتصاب سراسری، یکی از اهرم های فشار فوق العاده قدرتمند در دست مردم است. اعتصاب سراسری کردستان

ضرورت، عملی بودن و کارآمد بودن چنین ابزاری را به ویژه در شرایط کنونی برای مبارزات به هم پیوسته جنبش آزادی خواهی و برابری جویی یادآور گردید و پیروزمندی آن روح تازه ای را در کالبد مبارزات متحد زحمتکشان، کارگران و همه مردم آزادی خواه دمید.

اردیبهشت ۸۹، مقدمه تعیین کننده ای بود بر محور سیطره ایدئولوژیک و استراتژیک بورژوازی ایران و گفتمان لیبرالی در جنبش آزادی خواهی جاری. دلایل متعددی وجود دارد که نشان می دهد رشد جنبش سوسیالیستی تا چه حد ضروری و محتمل است. چه در بُعد داخلی و چه در بُعد بین المللی شرایط عینی به غایت فراهم است و کاپیتالیسم رو به زوال، تنها سوار بر بی باوری و نا امیدی توده های تحت ستم و استثمار حیات نکبت بار خود را تمدید می کند. بحران اقتصادی حادّ در اقصی نقاط جهان، فقدان مشروعیت ایدئولوژیک و تزلزل سیاسی دولت های سرمایه داری و شکست سیاست های امپریالیستی، همراه با امواج مختلف اعتراضات علیه کاپیتالیسم در عرصه های مختلف، و نیز بروز نمونه های اخیر چون یونان، تایلند، ایران و... همه و همه نشان گر ضرورت بازسازماندهی و جهت دهی جنبش های اجتماعی با سویه ضد سرمایه داری و تقویت رهبری طبقه کارگر جهانی است.

سال ۸۹ نیز بدون شک سال حضور متشکل طبقه کارگر ایران در میدان مبارزه همه جانبه علیه سرمایه داری اسلامی و تمام مظاهر فاشیسم زائیده آن خواهد بود. برگزاری مراسم اول ماه و سپس اعتصاب سراسری مردم کردستان، از یک سو نیروی اصلی تحول و تغییرات بنیادین سیاسی و اجتماعی را به جنبش آزادی خواهانه جاری یادآور گردید و از سوی دیگر امید به مبارزه متشکل و شوق خیز برداشتن به سوی پیروزی را مشتعل کرد. اردیبهشت ۸۹ مقطع مهمی از مبارزات است که باید در قدم های آتی مدام سر برگرداند و به آن نگرست...

خرداد ۸۹ - مه ۲۰۱۰

برگرفته از نشریه سوسیالیست شماره پنجم